

تربت نظام و تربت بهائی در اصفهان

پیشکشی ناچیز جلال همائی استاد اصفهانی

می‌دانیم وفات خواجه نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق (۴۱۰-۴۸۵) وزیر نامدار و مقتدر و با فضل و کمال به گفته صاحب تجارب السلف در «بروجرد» که از شهرهای لر کوچک است، (۱) اتفاق افتاد. ولی مرحوم عباس اقبال در دنبال تحقیقات خود موضع قتل را در محلی بین همدان و کرمانشاهان ضبط کرده است. (۲) پس از این واقعه، به قول صاحب تجارب السلف و غلامان و متعلقان خواجه شخص او را در اصفهان بردند و در محله کران (۳) در موضعی که جوی آب بزرگ در میان آن مقام رود بغایت نزه و خوش دفن کردند و آن مقام را اهل اصفهان تربت نظام گویند. (۴) امام مرحوم عباس اقبال بر اساس استنباط از قطعه‌ای که مزری در مدح خواجه ابوالمعاصن شهاب‌الاسلام عبدالرزاق بن عبدالله بن اسحاق برادرزاده خواجه نظام‌الملک و وزیر سنجر در ۵۱۱ سروده است در باب موضع قبر نظام‌الملک شکی را اظهار کرده است که باید نقل کرد:

<p>عبد رزاق است فخر دوده و تاج تبار آنچه آن پیر مبارک گفت در آغاز کار چون ز شهر بلخ باشد برنشا بورت گذار چشم بگشا و خواب خوش زمانی سر بر آر پیش سلطان جهان دیده با جاه و قدر و اقتدار هم گرازان در وزارت بر بساط افتخار... الخ</p>	<p>دعم او صدر وزیران از فراست گفته بود این فراست بین که در فرجام کار آمد پدید ای شمال مشک بو، ای رهنورد زود رو ای زبان بندگان آن صدر ماضی را بگو تا ببینی یورخویش و نور چشم خویش را هم خرامان در امامت در لباس احتشام</p>
--	---

این قطعه مزری اگر اشتباه نکنم صریح است که خواجه نظام‌الملک عم عبدالرزاق صدر ماضی در موقع انتصاب عبدالرزاق به وزارت سنجر یعنی در ۵۱۱ یعنی ۲۶ سال بعد از مرگ خود در نسا بورد در «خواب خوش» بوده، یعنی تربت او در آن شهر که مقام خانوادگی ایشان محسوب می‌شده قرار داشته. در صورتی که صاحب تجارب السلف محل قبر خواجه را در اصفهان بتصریح معین می‌کند. یا باید بگوئیم در نسخه‌های دیوان مزری (که از آن الان دو

- ۱- تجارب السلف از هندو شاه نخجوانی، تصحیح عباس اقبال، ص ۲۸۰ - ۲۸۱ (در دستور الوزراء یکی از قصبات لر کوچک یاد شده است. چاپ سعید نفیسی، ص ۱۶۶)
- ۲- وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، از عباس اقبال، ص ۴۹
- ۳- طبق گفته لطف‌الله هنرفر احمدآباد کنونی نام جدیدی برای کران است (گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۴۵).
- ۴- تجارب السلف، ص ۲۸۰-۲۸۱.

نسخه در زیر دست من است) «نشابور» غلط است و «صفاهان» بوده و یا آنکه بعد از مدتی نعش خواجه را به نسابور انتقال داده و در تربت خانوادگی ایشان دفن کرده‌اند. بهر حال این اشکال باقی و مستلزم تحقیق دقیقتری است که علی‌المجاله فرصت آن نگارنده را میسر نیست.» (۱).

دکتر لطف‌الله هنرفر در کتاب نفیس «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» صفحاتی از کتاب را به توصیف «تربت نظام» (که مصطلح تجارب السلف است) و آرامگاه ملک‌شاه سلجوقی در اصفهان اختصاص داده است (۲) و به اسلوبی پسندیده وضع هنری و معماری بقعه را وصف کرده است. خلاصه کلام ایشان این است که صورت فعلی قبر منسوب به نظام‌الملک در افواه مردم در همان محل است که صاحب تجارب السلف مذکور داشته است و این محل به دارالبطیخ مشهور است که در تلفظ عامه به صورت استعمال می‌شود و گورهای افراد دیگری هم درین موضع هست. اما سنک قبری که بر گور خواجه موجود است سنگی است از مرمر که بر آن آیات قرآنی را به خط ثلث نقر کرده‌اند، مگر در جبهه بالای سر عبارتی دارد بدین شرح:

«و اصل گشت بچوار مرحمت (۳) و غفران و فایز شد به غرفات جنان و روضه رضوان حضرت مفترت مآب قیام بصفحت رحمت دیان ... المفاخر و افتخار الاکابر و اعظم الوزراء... خواجه... الملک» و (۴) این بود فشرده‌ای از نوشته دکتر هنرفر.

چنانکه ملاحظه می‌شود در سه مورد از منقورات مذکور در فوق شکستگی و افتادگی وجود دارد و عبارت ناقص شده است، ولی به قرینه «الوزراء» و «خواجه» و «الملک» و شهرت و نسبتی که این موضع از زمان وفات خواجه نظام‌الملک به محل قبر او داشته است این سنگه و صورت قبر را همه از آن خواجه دانسته‌اند. و هنوز هم می‌دانند!

البته همانطور که ایشان توجه داده است سنک مذکور سنگی است از اوایل عهد صفوی و باید اضافه کرد که علی‌الماده استفاده از سنک مرمر برای قبر - تا آنجا که من در مزارات یزد و فارس و حوالی اصفهان و خراسان دیده‌ام از قرن نهم بی‌مید دیده می‌شود و این سنک هم باید از قرن دهم یا دهم هجری باشد. اسلوب کهنه‌کاری و نقوش سنک تماماً دال است بر صفوی بودن آن - اصولاً ممکن است که پس از دفن خواجه بملل تبدلات حکومت، سنگی بر گور خواجه نصب نشده باشد (اگر چه فرزندان او و نوادگانش مدت‌ها در رأس امور وزارت و استیفای سلجوقیان بودند)، و بالاخره توجه سلاطین صفوی به بعضی از مآثر قدیم موجب نصب سنک مورد بحث شده باشد.

اینک با وجود شک مرحوم اقبال و البته با توجه به آنچه آقای هنرفر در کتاب خود نوشته

۱- وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ص ۵۰.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۳۳ - ۲۳۷.

۳- علی‌الظاهر «رحمت» (ا. ا).

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۳۷.

است اطلاعی را که از نسخه‌های خطی موسوم به «المختارات من الرسائل» (۱) در موضوع و موضع قبر نظام‌الملک به دست می‌آید در اینجا می‌آورم و آن متن گواهی و محضری است مورخ ۵۵۰ هجری، یعنی نوشته‌ای که شصت و پنج سال پس از قتل خواجه تنظیم شده است و مدتی قریب به ۱۷۵ سال بر تجارب السلف مقدم است و از حیث مضمون و مطلب بر آن مرجع این است متن «محضر» مورد نظر:

د گواهی دهند متمدان و ثقات که خطوط خویش آخراین محضر نوشته‌اند از علم و معرفت، بی‌اکراهی و اجباری، تقریباً الی‌الله سبحانه و ابتغاء مرضاته که خواجه سعید بها [ع] الملك ابو الفتح عبدالرحیم بن صاحب الشهید نظام‌الملک ابوعلی الحسن بن علی بن اسحق وقف کرده جمله آسیائی که به قرین صحرای دیه سنبادجان (۲) است از رستاق النجنان از کوره اصفهان وحدی از آن می‌شود با زمینی که معروف است به عبدالله بن ابی بکر بن موسی قدیماً و اکنون معروف است به خداداد بن سلیمان وحدی با ایرشیب (۳) این آسیاو جوی هرزاب و زمینی که معروف است به زمین باغ دز و حدی با ایرشیب این آسیاو حدی باطریق و ممرو این آسیا معروف است به آسیای باغ دز. این آسیا را به همه حدود و حقوق و مرافق و آلات حجری و حدیدی و خشبی و قفی درست شرعی محکوم به جمله شرائط چنانک و ثیقت و ثقیبت بدان ناطق است بر جایگاهی که اکنون تربت واقف است و این تربت جمله خانهای است در سرایی که معروف است به نظام‌الملک به اصفهان در محلت خوشینان (۴) معروف به تربت نظام از جانب چپ داخل مقابل تربت نظامی، و این سرای مستغنی از تحدید به حکم شهرت، و حد این خانه که جای مرقد واقف است و حدود

۱- المختارات من الرسائل مجموعه‌ای است از فرامین و احکام و وثایق و ترسلات قدیم که توسط ادانای گمنام جمع آوری شده است و نسخه ظاهراً منحصر از آن مورخ به سال ۶۹۳ هجری در کتابخانه وزیر در ریزد موجود است و بصورت عکس در سلسله انتشارات انجمن آثار ملی آن را به طبع رسانیده‌ام و بزودی نشر خواهد شد.

۲- نام این دیه به صورت شنبادجان و سنبادجان مضبوط شده است.

۳- این اصطلاح که دو بار در این سند مصرحاً به صورت ایرشیب و دو بار در سند دیگر به صورت «ایر سب» و «ایر سب» آمده است در کتب رایج لغت دیده نشد. البته «ایر» و «ایر» هست.

۴- این محله بسیار معروف و نامش در بسیاری از کتب قدیم مربوط به اصفهان آمده است، از جمله در ذکر اخبار اصفهان از حافظ ابونیم اصفهانی.

این خانه با صفة این سرای است و با خر به و دهلیز این سرای و با صحن این سرای،

و ولایت این وقف مفوض کرد به شیخ سدید مقری محمد ابن عبدالرزاق بن محمد یعرف بالانماطی تا او از حاصل ارتفاع و مستقل این آسیا عمارت آسیا و اصلاح و مرمت مرقد واقف بکند و بعد از آن فاضلی که باشد آن صرف کند با مصالح خود به حکم سعی او در مصالح این وقف و قیام به مهمات آن،

و فرمود تا درین تریب به قرآن خواندن و دعای خیر او و اسلاف او مشغول باشد، و این فاضل بحق این عمل نیز او را بود و او را دستوری داد تا هر که خواهد درین ولایت و عمل گمارد در حال حیات و ممات،

تفویضی واذنی درست شرعی به جمله شرایط،

و این شیخ سدیدالدین محمد بن عبدالرزاق را این ولایت مفوض کرد با فرزندان خود خواجه غنیف محمود و بست المعالی و تاج الحیوة، تفویض درست شرعی محکوم به بر آن وجه که با او مفوض بود بشرایط بعد از آنک ایشان را اهل این ولایت و عمل دانست و اکنسون این ولایت شرعاً با ایشان مفوض دانند به حکم این تفویض، و برین جمله گواهی دهند متقریین الی الله تعالی، و کتب فی ذی قعدة سنة خمسین و خمس مائة.

پس از این گواهی، تاریخی مهم استنباط می شود که در تربت نظام، در سال ۵۵۰ هجری قمری شهرت و نام سرای بوده است که در یکی از خانه های آن (یعنی حجرات آن) تربت فرزند خواجه نظام الملك به نام عبدالرحیم (و ملقب به بهاء الملك) قرار داشته است و این قسمت خود به نام «تربت بهائی» مشهور شده بوده است به استناد گواهی دیگری از آن سال پانصد و هشتاد و پنج هجری که هم در آن مجموعه مضبوط است و متنش چنین است:

«در تاریخ ماه جمادی الاولی سنة خمس و ثمانین و خمس مائة

که از جانب صدراجل نظام الدین عماد الاسلام نسیب اللوزراء ابوعلی- الحسن بن اسحاق بن عثمان بن نظام الملك دام علوه دعوی رفت که او را استحقاقی ثابت است در آسیائی که وقف تربت بهائی است در اصفهان و این آسیا در دیه شنبادجان است از رستاق النجان از کوره اصفهان و حدی از آن می شود با زمینی که معروف است به خدا داد بن سلیمان و حدی با ایرشیب این آسیا و جوی هرزاب و زمینی که معروف است به باغ دز و حدی با ایرشیب این آسیا و حدی باطریق و مر، و این آسیا معروف است به آسیای باغ دز و جماعتی سر پوشیدگان ست المعالی و تاج النساء و تاج الحیوة بنات الشیخ المقری محمد بن عبدالرزاق بن محمد المعروف

بالانماطی که صاحب ید و متصرف بودند درین آسیا انکار استحقاق صدر نظام‌الدین کردند و نمودند که این آسیا جمله وقف است برین تریبهٔ بیهاکیمه و ولایت این وقف پدر ایشان را بودست و بعد از آن ولایت این سرپوشیدگان راست، و فاضل ارتفاع این آسیا بعد عماره‌الرحی و عماره مرقد الواقف و اصلاحه و مرمته حق ایشان است. و در حضرت مولانا ولی الانعام امام معظم صدر کبیر مؤید مظفر منصور صدرالدین رکن الاسلام و المسلمین ملک ملوک العلماء فی العالمین سلطان الائمة رئیس الرؤساء العراق شافعی الزمان صاحب القرآن حرم الله ظلالة این حال عرض افتاد و از طرفین تشبیه رفت بدین حضرت اجلها الله تا فصل این خصومت کرده شود و حق بر مستحق مقرر فرماید و اشارت فرمود این خادم را تا بر سبیل توسط در خدمت جماعتی از ائمه و کبار علماء نظری افکند تا فصل این خصومت کرده شود، اما به مرضاة و مسالحت، اگر از جانبین مساعدت کنند و اگر از مسالحت امتناع رود بر مقتضی شریعت و وفق ملت تقدیر کرده شود بر مستحق. و این خادم در خدمت ائمه برین موجب پیش گرفت و البته و اصلاً از جانب سرپوشیدگان به مسالحت راضی نمی‌شدند و وثایق شرعی و سجل قضاة و اقرار صدر نظام‌الدین عرض کردند بر وفق دعوی خویش و بر اینکه این آسیا وقف است برین نسق که ایشان می‌گفتند و هیچ حق صدر نظام‌الدین در آن نیست و چون ظاهر این وثایق چنین بود تقریر کرده شد برین سرپوشیدگان تا بدان قیام می‌نمایند و شرایط وقف به جای می‌آوردند و از هیچ جائی مزاحمتی و منازعتی نکنند ایشان را درین باب تا ثواب آن به واقف می‌رسد ان شاء الله، و هذا خط عبدالمنعم بن المظفر بن علی و کتب فی التاريخ.

حال چنین رفت که نوشته‌اند و ظاهر کار که بر آمدن اطلاع تواند بود چنان می‌نمود که حق سرپوشیدگان است، کتبه‌المبد الصنیف رجا بن محمد بن هبة الله بن عبدالوهاب بخطه فی تاریخه .
حق بر مستحق مقرر داشتن از لوازم شرع است و از مواجب دین، کتبه محمد بن معمر بن الفاجر بخطه حامداً و مصلياً.

ضمناً گفته شود که ازین سند دوم نام یکی از نوادگان خواجه به نام نظام‌الدین ابوعلی حسن و پدرش اسحق بن عثمان بن نظام‌الملک به دست می‌آید که اولی در سال ۵۸۵ در قید حیات بوده است و هموست که مدعی استحقاقی از باب مالکیت در آسیای مورد دعوی و وقفی شده. نام این ابوعلی حسن و پدرش اسحاق در جدول اسامی خاندان خواجه نظام‌الملک که به زحمت مرحوم عباس اقبال ترتیب یافته است (۱) نیامده. و این خود اطلاعی است مفید دربارهٔ خاندان خواجه.